قیوم میرزاده

۲۰۲۱/۰۷/۲۶

لغات جدید مربوط بخش «مجمع اللغات» در قاموس کبیر افغانستان

با مسرت وسیلتاً به اطلاع و آگاهی هموطنان عزیز، دانشمندان ادیبان و متخصصین شاخه های متنوع علوم رسانیده میشود که برعلاوه رشد و انکشاف بخش های الحاقیهٔ قاموس کبیر افغانستان چون قاموس اصطلاحات علم اقتصاد، قاموس اصطلاحات علم زراعت و زمین شناسی ، اصطلاحات متداول و گویش های عامیانه از آداب و رسوم، عقاید و اندیشه ها، ترانه ها و هنر های مردمی، نامهای، شهر ها، محلات، گذر ها و آبدات تاریخی کشور ما، رجال و شخصیت های تأریخی و بخش کلمات مترادف فارسی ایرانی، عبدالله افغانی نویس تعداد لغات و اصطلاحات مسلکی - علمی قاموس کبیر افغانستان نزدیک به پنجاه هزار ۵۰۰۰۰ رسیده است که از آنجمله دربخش مجمع اللغات تعداد لغت ها با معانی، توضیح و موارد استفاده به بیشتر از بیست و هشت هزار لغت رسیده است که شامل لغات ستندرد، مطالب مذهبی، طبابت و اصطلاحات عامیانه و محلی از گوشه های مختلف وطن ما افغانستان عزیزبوده و اکنون به شکل آنلاین (به کمک انترنت) برای همه قابل دسترس میباشد. ما در این مجموعه سعی بلیغ بخرچ دادیم که هم معانی لغویی و مترادفات هر لغت و یا اصطلاح عامیانه به صورت فهما توضیح گردد و در بسیاری حالات صورت معنایی تلویحی، استعاره، کنایه، اشاره، تمثیل لغات و موارد استفادهٔ همچو کلمات را در اجتماع افغانی نیز توضیح و تشریح گردیده است. همچنان تلفظ لغت ها، ریشهٔ لغت ها، نوعیت کلمات و ترجمهٔ آنها به زبان انگلیسی نیز توضیح و تشریح شده و بسیاری از لغت ها با ارائه عکس و ویدیو نمایش داده شده است. قابل ذکر پنداشته میشود با وصف امکانات نهایت محدود و قابل دسترس کار تجهیز لغات که بصورت همسان نوشته میشوند و بار معنایی مختلف دارند بوسیلهٔ آواز یا (صوندsound) تحت کار تیم کاری قاموس کبیر افغانستان قرار داشته ومصمم اند تا بزودی مجموع قاموس را با این وسیله مجهز گردد. که در ذیل بطورنمونه از چند لغت یادآوری میکنیم.

همچنان به سلسلهٔ فراخوان های قبلی ازفرهنگیان وفرهنگ دوستان، محققین زبان شناسی، تذکره نگاران و اهل خبره میهن عزیز ما صمیمانه آرزو داریم که ما را از نظریات سازنده، مفید و ابتکاری، تصحیحات و تکمیلات شان برای تکمیل و غنامندی هرچه بیشتر بخش مجموع الغات و سایر بخش های ملحقهٔ قاموس کبیرافغانستان مستفید سازند و به این ترتیب دین وطندوستانهٔ شانرا برای اصالت، حفظ و غنامندی زبان دری وفرهنگ افغانی ادأ کنند.

کلمه	معنی	معنی پښتو، شرح و یا عکس
تختهٔ خیز	مراد ازین کلمهٔ ظاهراً تخته ای ست که از روی آن خیز انداخته می شود، مانند تختهٔ خیز که در حوضهای آبیازی برای پرتاب شدن به آب استفاده می شود. خاصیت مهم این تخته یکی در آنست که آبباز می تواند به حکمت آن، دور تر از توان طبیعی خود به آب بپرد. دلیل آن ارتجاعیت تخته است که می تواند پرتاب شونده را در نخست بالا برد و با قوت مضاعف او را به فاصلهٔ دور تر پرتاب نماید.	و اما در امور اجتماعی به حالتی اطلاق می گردد که کسی با استفاده از یک وضعیت، خود را به مرام اصلی خویش برساند. مثلاً احمد شامل فلان حزب شده و می خواهد از طریق این حزب به مثابهٔ تختهٔ خیز استفاده کرده، خود را به مقامهای بلند دولتی برساند. در واقع احمد به حزب علاقه مند نبوده، بلکه از آن به حیث تختهٔ خیز استفاده می کند تا به مقام بالای دولتی که هدف اصلی اوست، برسد
ماوراء الطبیعه	ماوراء الطبیعه: ترکیب دو کلمه عربی است که هم به تنهایی وهم منحیث یک کلمه واحد استعمال می گردد. ماوراء یعني چیزیکه در پشت و یا در عقب است، یعنی	ماوراء الطبیعه: د دوو عربي کلمو څخه جوړه شوې چې هم ځانله معنا ورکوي او هم په ګډ ډول. ماوراء؛ شا خواته، پټ، وروسته، هغه څه چې نه لیدل کیږي. الطبیعه؛ هغه څه چې مور ورته په ورځینۍ محاورې کې طبیعت وایو ، هغه

به صفحهٔ قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

	عالم غیر مادی که عمدتا به نظر نمی آید. و الطبیعه؛ عالم مادی و محسوس را گوید که هم دیده می شود و هم ملموس می باشد. ولی منحیث یک کلمه در متون اسلامي و فلسفی به معنای عالم غیب، پدیده های که تابع قوانین طبیعت نیست و رویداد های که مستلزم نقض قوانین فزیکی است، مانند ملائک، شیاطین، جنیات، طلسم و جادو. یک تعداد از دانشمندان به این باور اند که مفهوم ماوراءالطبیعه مظاهری است که توجیه علمی ندارد. همچنان میتوان گفت که ماوراء الطبیعه مرادف اصطلاح فرا گیتي است که در مقابل ما بعد الطبیعه استعمال مي شود	مادي عالم ته ویل کیږي چې هم لیدل کیږي او هم په لاس یا پښې باندې محسوس کیږي. خو دلته له ماوراء الطبیعه څخه مطلب هغه غیبي عالم یا نړۍ ده چې موږ یې د علم له لارې توجیه کولای نه شو، لکه ملائکي، پیریان، جنیات، شیطانان، کودې او جادو. یو شمیر پوهان په دې باور دي چې د ماوراء الطبیعه ضد، مابعد الطبیعه نړۍ ده چې د علم له برکته یې موږ ځیرلي او جوتولي شو او همدارنګه فزیکي قوانین وربانديې پلي کیدلای شي
میان بر	میان بُر- به حرکتی اطلاق می گردد که چیزی را از میان قطع و در نتیجه فاصله را به هدف کم کند. مثلاً برای بالا شدن به کوه راهائی از قبل نشانی شده اند که گاهی به شکل مارپیچی و طولانی می باشند. اگر کسی بتواند به صورت مستقیم و بدون حرکت مارپیچی به کوه برآید، در واقع راه را از میان بریده است. این اصطلاح در جنگها نیز به کار می رود، مثلاً دشمن در یک قطار طولانی به سمتی روانست، لاکن مخالفان کمین گرفته اند و در میانهٔ قوتهای دشمن حمله می کنند و آنها را دو پارچه کرده نیست و نابود می کند. چنین یک حرکت نیز عملیات میان بر نامیده می شود	این لغت بار منفی و بار مثبت دارد . بار مثبت آن اینست که هرچه زودتر به هدف رسیدن را از راه میان بُر باید رفت، و بار منفی آن اینست که از راه بیراهه و راه غیر معمول باید استفاده نمود. یعنی راه ناشناخته بخاطر زود رسیدن است مگر فراموش نشود که بعضی اوقات راه بیراهه و ناشناخته رفتن برای تعجل در رسیدن به هدف، سبب نرسیدن ها و خطر های پیشبینی ناشده نیز می گردد که جوینده را به هدف نمی رساند . ازینرو بار منفی آن بر بار مثبت آن غلبه بیشتر دارد.
منفوره	منفوره، صیغه مفرد مونث بوده و مذکر آن منفور می باشد: ناپسندیده، نفرت کرده شده، نامقبول، دور کرده شده، رانده شده، مردود، نفرت انگیز، منزوی گردیده	منفوره، د مونثي صیغې مفرده کلمه ده او مذکره بڼه یې منفور ده: کرکجنه، شړل شوی، لرې شوی، له صحني وتلی، ناخوښه، په تولنه کي ناګنلی، بیزاره
کاغذپران	کاغذپران و یا گدیپران از کاغذ رنگهٔ نازُک بشکل مربع یا محدب باندازه های مختلف ساخته میشود، که در قسمت بالائی آن کمانی از نَی چسبانده و به کمک نخ هنگام جریان هوا کودکان برای بازی و سرگرمی به هوا پرواز میدهند.	
جزبازی	بازی دخترانه ست. دختران عموماً در فضای آزاد روی زمین هموار چهارخانه هائی رسم می کنند، که در امتداد همدیگر قرار دارند. بازی کنندگان با یک پای از یک چهارخانه به چهار خنهٔ دیگر می جهند، بدون اینکه پای دیگرش به زمین تماس کند. این بازی برای ایجاد حس توازن در بدن اطفال خیلی مفید است.	

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

چلپاسه	سوسمار کوچک، مارمولک، کرباسه 	چورمښکی
شیر / شِیر	مایعی سفید رنگ و مغذی با طعم شیرین که از پستان های پستانداران ماده پس از زایمان ترشح می شود. حیوانات وحشی فقط آن مقدار شیر می دهند که نوزاد آنها لازم دارد، لیکن حیوانات اهلی مانند گاو و گوسفند و شتر بواسطهٔ اراده و تربیت انسان بیش از اندازهٔ مدتی که برای آنها ضروری است شیر می دهند. در شیر قطرات کوچک چربی بسیاری شناورند در صورتی که ترکیبات دیگرش (مانند مواد پروتیدی و گلوسیدی و املاح) در آن بحال محلول موجودند.	ترکیب شیر پستانداران مختلف با هم فرق میکند: درشیر گاو % مواد 4/8% مواد ازته ، تقریباً 3% آب ، تقریباً 88تقریباً % مواد چربی است.3/2گلوسیدی و بطور تقریب مادهٔ ازته 1/6%آب و 87%ترکیبات شیر انسان عبارتست از .املاح مختلف 2%چربی و 3/5%مواد قندی و 6/8%و
شیر / شِیر	ارسلان، اسد، حیوانی چارپا و سَبُع و درنده از نوع گربه که به عربی اسد گویند - پستانداری عظیم الجثه و قوی از راستهٔ گوشت خواران جزو تیرهٔ گربه ها که دارای پنجه های قوی و قدرت عضلانی بسیار نیرومند است.	این پستاندار مخصوص نواحی گرم قارهٔ قدیم است ولی امروزه تقریباً منحصر به افریقای مرکزی است. نوع نر این پستاندار در اطراف سرو گردن دارای یال انبوه است
ریش	دو معنی دارد الف-جراحت و زخم ب- موی که برصورت مرد ها ظاهر میشود ریش در من بر نسازد عقل من *** هر تظاهر عقل را سازد مهن	الف ــ ږیږه د مخ ویښتان ب ــ تپ، زخم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ